



رئاسة الشؤون الدينية
بالمسجد الحرام والمسجد النبوي

فارسی دری

فارسي دري

التَّحْذِيرُ مِنَ الْبِدْعِ

بر حذر داشتن از بدعتها



نویسنده جناب شیخ
عبد العزیز بن عبد الله بن باز

التَّحْذِيرُ مِنَ الْبِدْعِ

بر حذر داشتن از بدعتها

لِسَمَاحَةِ الشَّيْخِ الْعَلَّامَةِ
عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بَازٍ
رَحِمَهُ اللَّهُ

نویسنده جناب شیخ
عبد العزیز بن عبد الله بن باز

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رسالة پنجم:

حکم جشن میلاد پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم و دیگر میلادها

الحمد لله، والصلاة والسلام على رسول الله، وعلى آله وصحبه ومن اهتدى بهداه.

اما بعد: سوال از بسیاری درباره حکم جشن میلاد پیامبر صلی الله علیه وسلم، و ایستادن برای ایشان در اثنای آن، و سلام گفتن بر ایشان، و غیر از آن از اموری که در جشن‌های میلاد انجام می‌شود، تکرار شده است.

پاسخ: جشن گرفتن میلاد پیامبر صلی الله علیه وسلم و غیر او جواز ندارد؛ زیرا این کار از بدعت‌های نوپیدا در دین است؛ چون پیامبر صلی الله علیه وسلم این کار را انجام نداده است، و نه خلفای راشدین او، و نه دیگر صحابه رضی الله عنهم، و نه تابعین که در قرون برتر به نیکی از آنان پیروی کرده‌اند، و آنها داناترین مردم به سنت، و در محبت به رسول الله صلی الله علیه وسلم و پیروی از شریعت او کامل‌تر از کسانی بودند که بعد از ایشان آمدند، الله متعال در قرآن مبین فرموده است:

{...وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا...}

ترجمه: (و آنچه که پیامبر به شما بدهد آن را بگیرید) به اوامرش عمل کنید) و از آنچه که شما را از آن منع می‌کند اجتناب ورزید...
[الحشر: ۷]. و او جل جلاله می‌فرماید:

﴿...فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾

ترجمه: (پس آنانکه با فرمان او مخالفت می کنند، باید از این بترسند که مصیبتی به آنان برسد، یا اینکه به عذاب دردناک گرفتار شوند) [النور: ۶۳]، الله سبحانه و تعالی فرموده اند:

﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ
الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا﴾^(۱۱)

ترجمه: (البته برای شما در (سیرت) رسول الله سرمشق و الگوی نیکوست، برای آن کس که به الله و روز قیامت امید دارد و الله را بسیار یاد می کند) [الأحزاب: ۲۱]. الله متعال می فرماید:

﴿وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَدَّمُونَ وَالْأُولَئِكَ هُمُ الْمُفَوَّضُونَ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُم بِإِحْسَانٍ
رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ
فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾^(۱۲)

ترجمه: (و سبقت کنندگان نخستین (در هجرت و نصرت) از مهاجرین و انصار و آنانی که با نیکوکاری از آنها (صحابه) پیروی کرده اند، الله از آنها راضی شده است و آنها از او راضی شده اند، و برای آنها باغهایی آماده کرده است که از زیر آن نهرها جاری است، همیشه در آن جاودانند، این است همان پیروزی بزرگ) [التوبة: ۱۰۰]، الله متعال می فرماید:

﴿...الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ
الْإِسْلَامَ دِينًا...﴾

ترجمه: (امروز دین تان را به شما کامل کردم، و نعمت خود را بر شما تمام نمودم، و اسلام را برای شما (به عنوان) دین پسندیدم...) [المائدة: ۳]. و آیت ها درین معنا زیاد اند. از پیامبر ﷺ ثابت است که فرمودند: «کسی که در دین ما نوآوری کند که در آن نباشد، مردود است». یعنی: بر او رد شده، و در حدیث دیگری فرمایند: «سنت من و سنت خلفای راشدین هدایت شده پس از من را بگیرید، به آن چنگ بزنید، و با بُن دندان آن را بگیرید، و از امور نوپیدا برحذر باشید، زیرا هر نوپیدایی بدعت است و هر بدعت گمراهی است». در این دو حدیث هشدار شدید از ایجاد بدعت ها، و عمل کردن به آنها می باشد،

و ایجاد کردن چنین مراسمی این مفهوم را می رساند که الله متعال دین را برای این امت کامل نکرده است، و پیامبر صلی الله علیه وسلم آنچه را که شایسته بود امت به آن عمل کند، ابلاغ ننموده است، تا اینکه این متاخرین آمدند و در شرع الله چیزی را نوآوری کردند که به آن اجازه نداده بود؛ به این گمان که این کار آنها را به الله نزدیک می سازد، و این بدون شک خطر بزرگی است، و اعتراض بر الله متعال و پیامبرش صلی الله علیه وسلم می باشد، و الله متعال دین را برای بندگانش تکمیل نموده، و نعمت خود را بر آنان تمام کرده است، و پیامبر صلی الله علیه وسلم پیام را به گونه آشکار رسانیده است، و هیچ راهی را که به بهشت می رساند و از آتش دور می کند، ترک نکرده مگر اینکه آن را برای امت بیان نموده است، چنانکه در حدیث صحیح

از عبدالله بن عمرو رضی الله عنه روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «هر پیامبری که الله متعال مبعوث کرد، وظیفه داشت امتش را به بهترین چیزی که خیر و صلاح شان را در آن می دانست، راهنمایی کند و آنها را از آنچه برای آنان بد می دانست، برحذر دارد». مسلم در صحیح خویش روایت نموده است. و معلوم است که پیامبر ما صلی الله علیه وسلم بهترین پیامبران و آخرین شان است، و کامل ترین شان از لحاظ رساندن پیام و نصیحت است. پس اگر تجلیل از میلادها دینی می بود که الله سبحانه و تعالی به آن راضی است، رسول الله صلی الله علیه وسلم آن را برای امت بیان می کرد، یا آن را در زندگی خود انجام می داد، یا اصحابش رضی الله عنهم آن را انجام می دادند. پس وقت که هیچ یک از اینها واقع نشد، دانسته شد که آن به هیچ وجه از اسلام نیست، بلکه از جمله نوآوری ها (بدعت ها) است که رسول الله صلی الله علیه وسلم امتش را از آن برحذر داشته است، چنانکه ذکر آن در احادیث گذشت. و آیت ها و احادیث در این باب زیاد اند.

و جماعتی از علماء با عمل کردن به دلایل ذکر شده و غیر آن، به صراحت موالد را انکار نموده و از آن برحذر داشته اند؛ اما برخی از متأخرین مخالفت کرده و آن را در صورتی جایز دانسته اند که مشتمل بر هیچ یک از منکرات نباشد؛ مانند غلو در مورد رسول الله ﷺ، اختلاط زنان با مردان، استعمال آلات لهو و لعب، و غیره از مواردی که شریعت پاک آن را ناپسند می شمارد، و گمان کردند که این از جمله بدعت های حسنه است.

و قاعده شرعی: بازگرداندن آنچه مردم در آن نزاع می کنند به کتاب الله و سنت رسولش محمد ﷺ، چنانکه الله جل جلاله فرمودند:

﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَزَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا﴾

ترجمه: (ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از الله و پیامبر و از صاحبان امرتان اطاعت کنید، و اگر در چیزی اختلاف کردید پس آن را به الله و رسول او (قرآن و سنت) برگردانید، اگر به الله و روز آخرت ایمان دارید، این (برای شما در دنیا) بهتر است و از نگاه عاقبت (آخرت) نیکوتر است) [النساء: ۵۹]، الله متعال می فرماید:

﴿وَمَا اخْتَلَفْتُمْ فِيهِ مِنْ شَيْءٍ فَحُكْمُهُ إِلَى اللَّهِ...﴾

ترجمه: (و در هر چیزی که اختلاف کنید، حکم و فیصله آن به الله بر می گردد ...) [الشوری: ۱۰].

و ما این مسئله را، یعنی برگزاری جشن میلادها، به کتاب الله سبحانه ارجاع دادیم، پس دریافتیم که ما را به پیروی از رسول ﷺ در آنچه آورده است امر می کند، و از آنچه نهی کرده است برحذر می دارد، و به ما خبر می دهد که الله سبحانه دین این امت را کامل گردانیده است. و این جشن از جمله مواردی نیست که رسول ﷺ آورده باشد؛ بنابراین از آن دینی نیست که الله برای ما کامل نموده و ما را به پیروی از رسول در آن امر کرده است.

و ما این امر را نیز به سنت رسول الله ﷺ ارجاع دادیم؛ و در آن نیافتیم که ایشان آن را انجام داده باشند، نه به آن امر کرده باشند، و نه اصحاب شان رضی الله عنهم آن را انجام داده باشند؛ پس دانستیم که این از دین نیست، بلکه از بدعت‌های نوپیدا و از شبیه ساختن

خود با اهل کتاب یعنی یهودیان و نصرانیان در عیدهای شان است. و با این، برای هر کسی که کمترین بصیرت و رغبت به حق، و انصاف در طلب آن را داشته باشد، روشن می‌گردد که تجلیل از میلادها از دین اسلام نیست، بلکه از بدعت‌های نوپیدا است که الله سبحانه و رسولش ﷺ به ترک آن و پرهیز از آن امر کرده‌اند، و برای عاقل شایسته نیست که فریب کثرت مردمی را بخورد که آن را در سایر کشورها انجام می‌دهند، زیرا حق با کثرت فاعلین شناخته نمی‌شود، بلکه تنها با دلایل شرعی شناخته می‌شود، چنانکه الله متعال در باره یهود و نصاری می‌فرماید:

﴿وَقَالُوا لَن يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَن كَانَ هُودًا أَوْ نَصْرَىٰ تِلْكَ أَمَانِيُّهُمْ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ ﴿١١١﴾﴾

ترجمه: (و گفتند: (یهود و نصارا) هرگز کسی وارد بهشت نمی‌شود مگر آنکه یهودی یا نصرانی باشد، این آرزوی آنهاست، بگو دلیل خود را بیاورید اگر در دعوی خود صادق هستید) [البقرة: ۱۱۱]، الله متعال می‌فرماید:

﴿وَإِنْ تُطِيعُوا أَكْثَرَ مَن فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ...﴾

ترجمه: (و اگر از اکثر افراد روی زمین اطاعت کنی، تو را از راه الله گمراه می‌کنند...) [الأنعام: ۱۱۶].

بر علاوه، غالب این جشن‌های میلاد، با وجود اینکه بدعت است، از منکرات دیگری نیز خالی نیست؛ مانند اختلاط زنان با مردان، استعمال آهنگ‌ها و آلات موسیقی، نوشیدن مسکرات و مواد مخدر، و غیره از این شرور. و گاهی در آن چیزی بزرگتر از آن نیز واقع می‌شود

که همانا شرک اکبر است؛ و آن عبارت است از غلو در حق رسول الله ﷺ یا دیگر اولیاء، و خواستن از آنان، و استغاثه به آنان، و طلب مدد از ایشان، و این باور که آنان غیب را می دانند، و امثال این امور کفرآمیز که بسیاری از مردم هنگام برگزاری جشن میلاد پیامبر ﷺ و دیگر کسانی که آنان را اولیاء می نامند، مرتکب آن می شوند، و از رسول الله ﷺ به ثبوت رسیده است که فرمودند: «از غلو در دین بپرهیزید، زیرا غلو در دین کسانی را که پیش از شما بودند هلاک کرد». و پیامبر علیه الصلاة و السلام فرموده است: «در ستایش من غلو نکنید همانطوری که نصارا در ستایش پسر مریم غلو کردند، من فقط بنده هستم، پس بگویید: بنده الله و رسول او». بخاری در صحیح خود، از حدیث عمر رضي الله عنه نقل نموده است.

از جمله بی عجایب و غرایب است که: بسیاری از مردم در این محافل بدعتی با نشاط و کوشش اشتراک می ورزند، و از آن دفاع میکنند، در حالیکه از حضور در نمازهای جمعه و جماعت که الله بر آنان واجب گردانیده است، تخلف می ورزند، و به آن هیچ اعتنایی نمی کنند، و گمان هم نمی کنند که مرتکب منکر بزرگی شده اند، و شکی نیست که این کار ناشی از ضعف ایمان، و قلت بصیرت، و کثرت انواع گناهان و معاصی است که بر قلب هایشان زنگار بسته است. از الله برای خود و سایر مسلمانان خواهان عافیت هستیم.

و از آن جمله این است که برخی گمان می کنند که رسول الله (صلی الله علیه وسلم) در محفل مولود حاضر می شوند؛ و به همین دلیل برایش قیام نموده و به او درود و خوش آمدید می گویند، و این از بزرگترین باطل و قبیح ترین جهل است، زیرا رسول الله (صلی الله علیه وسلم) قبل از روز قیامت از قبر خود بیرون نمی آیند، و با هیچ یک از

مردم در ارتباط نمی شود، و در مجالس شان حاضر نمی شود، بلکه ایشان تا روز قیامت در قبر خود مقیم هست، و روح ایشان در اعلیٰ علین نزد پروردگارش در دارالکرامه می باشد، چنانکه الله متعال می فرماید:

﴿ثُمَّ إِنَّكُمْ بَعْدَ ذَلِكَ لَمَيِّتُونَ ﴿١٥﴾ ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تُبْعَثُونَ ﴿١٦﴾﴾

ترجمه: (باز شما بعد از این مراحل حتما می میرید ۱۵

باز شما روز قیامت برانگیخته خواهید شد ۱۶)

[المؤمنون: ۱۵، ۱۶].

پیامبر ﷺ فرمودند: «من نخستین کسی هستم که در روز قیامت قبر برایم باز می شود، و من نخستین شفاعت کننده و نخستین کسی هستم که شفاعتش پذیرفته می شود». علیه من ربه أفضل الصلاة والسلام.

پس این دو آیه کریمه و حدیث شریف، و دیگر آیات و احادیثی که در معنای آن آمده است: همه ی اینها دلالت بر این دارد که پیامبر صلی الله علیه وسلم و دیگر مردگان، تنها در روز قیامت از قبرهای شان بیرون می آیند، و این امری است که علمای مسلمان بر آن اجماع دارند؛ و هیچ اختلافی در میان شان وجود ندارد، پس بر هر مسلمان لازم است که متوجه این امور باشد، و از بدعت ها و خرافاتی که جاهلان و امثال آنها نوپیدا کرده اند، در حذر باشد؛ که الله برای آن هیچ دلیلی نازل نکرده است، والله المستعان، وعلیه التکلان، ولا حول ولا قوة إلا به.

اما درود و سلام بر رسول الله صلی الله علیه وسلم: از بهترین عبادت ها و اعمال صالحه است، چنانکه الله متعال فرموده است:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ
وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾

ترجمه: (همانا الله و فرشتگانش بر پیامبر درود می فرستند، (پس)
ای مؤمنان! شما هم بر او درود بفرستید و سلام گوئید و تسلیم فرمانش
باشید) [الأحزاب: ۵۶]، پیامبر ﷺ فرمودند: «هر که بر من یک درود
بفرستد، الله بر او ده درود خواهد فرستاد». و آن در تمام اوقات
مشروع بوده و در آخر هر نماز مؤکد می باشد، بلکه نزد جمعی از اهل
علم در تشهد اخیر در هر نماز واجب است. و سنت بودن آن در موارد
بسیاری مؤکد است؛ از جمله بعد از اذان، و هنگام یاد کردن او علیه
الصلاة والسلام، و در روز جمعه و شب آن، چنانکه احادیث بسیاری
بر آن دلالت دارد.

و از الله متعال خواهانیم که برای ما و سایر مسلمانان فهم دینش
و استقامت بر آن را توفیق دهد، و بر همگان پایبندی به سنت و پرهیز
از بدعت را ارزانی دارد، همانا او بخشنده و کریم است.
وصلی الله وسلم علی نبینا محمد وعلی آله و صحبه.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رسالة ششم:

حکم تجلیل از شب اسراء و معراج

الحمد لله، والصلاة والسلام على رسول الله، وعلى آله وصحبه. اما بعد: بدون شك اسراء و معراج از آیات بزرگ الله است که دال بر صدق رسولش محمد صلی الله علیه وسلم، و بر بزرگی مقام او نزد الله جل جلاله میباشد، همچنانکه از دلایل قدرت بزرگ الله، و برتری او سبحانه و تعالی بر تمام مخلوقاتش است. الله سبحانه و تعالی فرموده است:

(سُبْحَنَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَا الَّذِي بَرَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ وَمِنْ ءَايَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ﴿١﴾)

ترجمه: (پاک و منزّه است آن ذات که بنده خود را در شب از مسجد الحرام به مسجد الاقصی برد که اطراف آن را برکت داده ایم، تا برخی از نشانه های (قدرت) خود را به او نشان دهیم، چون اوست که شنوای بیناست) [الإسراء: ۱].

و از رسول الله صلی الله علیه وسلم به گونه تواتر ثابت است که ایشان به آسمانها بالا برده شدند، و دروازه های آن برایشان باز شد تا اینکه از آسمان هفتم گذشتند، پس پروردگارش سبحانه با او آنچه را که خواست سخن گفت، و نمازهای پنجگانه بر او فرض شد، و الله سبحانه در ابتدا آن را پنجاه نماز فرض کرده بود، پس پیامبر ما محمد صلی الله علیه وسلم پیوسته به او مراجعه نموده و از او درخواست تخفیف می نمود، تا اینکه آن را پنج نماز گردانید، پس آن در فرض پنج

است و در پاداش پنجاه؛ زیرا پاداش یک نیکی ده برابر آن است، پس حمد و سپاس برای الله است در برابر همه نعمت هایش.

و آن شبی که اسراء و معراج در آن واقع شده است، در احادیث صحیح تعیین آن در ماه رجب و در ماه دیگری نیامده است، و هر آنچه در مورد تعیین آن روایت شده، نزد اهل علم حدیث از پیامبر صلی الله علیه وسلم ثابت نیست، و الله متعال در فراموشاندن آن به مردم حکمت بالغه ای دارد، و اگر تعیین آن ثابت می شد، برای مسلمانان جایز نبود که آن را به چیزی از عبادات اختصاص دهند، و برایشان جایز نبود که از آن تجلیل کنند؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه وسلم و اصحاب ایشان رضی الله عنهم از آن تجلیل نکردند و آن را به چیزی اختصاص ندادند. و اگر تجلیل از آن یک امر مشروع می بود، رسول الله صلی الله علیه وسلم آن را برای امت بیان می کرد؛ یا با گفتار خویش و یا با کردار خویش، و اگر چیزی از این قبیل واقع می شد، شناخته و مشهور می گردید، و صحابه رضی الله عنهم آن را برای ما نقل می کردند، زیرا آنان از پیامبرشان صلی الله علیه وسلم هر چیزی را که امت به آن نیاز داشت، نقل کرده اند، و در هیچ چیزی از دین کوتاهی نکرده اند، بلکه آنان در هر کار خیری پیش قدم بوده اند، پس اگر تجلیل از این شب مشروع می بود، آنان در انجام آن از همه مردم پیشی می گرفتند. و پیامبر صلی الله علیه وسلم خیرخواه ترین مردم برای مردم است، و رسالت را به صورت کامل ابلاغ نموده و امانت را اداء کردند؛ پس اگر بزرگداشت این شب و تجلیل از آن جزئی از دین الله می بود، پیامبر صلی الله علیه وسلم از آن غفلت نمی ورزیدند و آن را پنهان نمی نمودند. بنابراین، چون چنین چیزی واقع نشده است؛ دانسته می شود که تجلیل از آن و بزرگداشت آن به هیچ وجه از اسلام

نیست. و الله متعال دین این امت را کامل گردانیده و نعمت خویش را بر آنان تمام نموده است، و بر کسانی که در دین چیزی را مشروع می سازند که الله به آن اجازه نداده است، انکار نموده است، چنانکه او سبحانه و تعالی در کتاب مبین خویش فرموده است:

﴿...الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا...﴾

ترجمه: (... امروز دین تان را به شما کامل کردم، و نعمت خود را بر شما تمام نمودم، و اسلام را برای شما (به عنوان) دین پسندیدم...) [المائدة: ۳]، و او جل جلاله می فرماید:

﴿أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ شَرَعُوا لَهُمْ مِنَ الدِّينِ مَا لَمْ يَأْذَنْ بِهِ اللَّهُ وَلَوْلَا كَلِمَةُ الْفَصْلِ لَفُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾

ترجمه: (آیا (کافران) شریکانی دارند که برای ایشان دینی مقرر کرده است که الله به آن اجازه نداده است؟ و اگر سخن قطعی (درباره مهلت دادن کافران) نبود، حتما بین آنان فیصله می شد، و بی گمان ظالمان برایشان عذاب دردناک است) [الشوری: ۲۱].

از رسول الله ﷺ در احادیث صحیح ثابت شده است: هشدار از بدعت ها، و تصریح به اینکه آن گمراهی است؛ برای آگاه ساختن امت بر بزرگی خطر آن، و بیزار ساختن آنان از ارتکاب آن، و از آن جمله: آنچه در صحیحین از عایشه رضی الله عنها از پیامبر ﷺ ثابت شده است که او فرمودند: «کسی که در دین ما نوآوری کند که در آن نباشد، مردود است». و در روایت از امام مسلم: "هر کسی کاری (

جدیدی) کند که جزء امر(دین) ما نباشد، آن کار مردود است". و در صحیح مسلم از جابر رضی الله عنه روایت است که فرمود: رسول الله صلی الله علیه وسلم در خطبه شان روز جمعه می فرمودند: «اما بعد، بهترین گفتار کتاب الله است، و بهترین هدایت، هدایت محمد صلی الله علیه وسلم است، و بدترین امور، امور نوپیدای آن است، و هر بدعتی گمراهی است». نسائی با سند جید اضافه کرده: «و هر گمراهی در آتش دوزخ است». در کتب سنن از عریاض بن ساریه رضی الله عنه روایت است که فرمود: رسول الله صلی الله علیه وسلم ما را موعظه ای بلیغ فرمودند که دل ها از آن لرزید، و چشم ها اشک آلود شد، پس گفتیم: یا رسول الله! گویا این موعظه کسی است که در حال وداع است، پس ما را وصیت کن، فرمودند: «شما را به تقوای الله و گوش سپردن و اطاعت کردن سفارش می کنم حتی اگر برده ای بر شما امیر شود، زیرا هریک از شما که زنده بماند اختلاف بسیاری را خواهد دید، پس سنت من و سنت خلفای راشدین هدایت شده پس از من را بگیرید، به آن چنگ زنید و با بن دندان آن را بگیرید، و از امور نوپیدا برحذر باشید، زیرا هر امر نوپیدایی بدعت است و هر بدعتی گمراهی است». احادیث در این مورد بسیارند.

و از اصحاب رسول الله ﷺ و سلف صالح بعد از آنان، هشدار از بدعت ها و ترساندن از آن ثابت است؛ و این جز به این دلیل نیست که آن زیادتی در دین، و شریعتی است که الله به آن اجازه نداده، و مشابهت با دشمنان الله از یهود و نصاری در افزودن شان بر دین خود و بدعت گذاری شان در آن به چیزی است که الله به آن اجازه نداده است، و به این دلیل که لازمه آن عیب جویی و کاستن از دین اسلام و متهم کردن آن به عدم کمال است، و معلوم است که در این کار چه

فساد بزرگ، و منکر زشت، و مخالفت با سخن الله جل جلاله وجود دارد:

﴿...الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ...﴾

ترجمه: (...امروز دین تان را به شما کامل کردم...) [المائدة: ۳]، و مخالفت صریح با احادیث رسول الله صلی الله علیه وسلم که از بدعت ها هشدار داده و از آن متنفر می سازد. امیدوارم دلالی که ذکر کردیم برای جوینده حق در انکار این بدعت کافی و قانع کننده باشد؛ یعنی: بدعت تجلیل از شب اسراء و معراج، و برحذر داشتن از آن، و اینکه این عمل هیچ جایگاهی در دین اسلام ندارد.

و نظر به وجوب نصیحت برای مسلمانان از جانب الله متعال، و بیان آنچه که از دین برایشان مشروع گردانیده، و تحریم کتمان علم؛ لازم دانستم تا برادران مسلمانم را از این بدعت آگاه سازم، بدعتی که در بسیاری از شهرها گسترش یافته، تا جایی که برخی از مردم آن را جزئی از دین پنداشته اند.

و از الله متعال خواهانیم که احوال همه مسلمانان را اصلاح کند، و فهم در دین را به آنان عنایت فرماید، و ما و ایشان را به تمسک به حق و استقامت بر آن، و ترک آنچه مخالف آن است، توفیق دهد، زیرا او قادر و توانا می باشد.

وصلی الله وسلم وبارک علی عبده ورسوله نبینا محمد وآله وصحبه.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رساله هفتم:

حکم بزرگداشتِ شب نیمه شعبان

ثنا و صفت الله را که برای ما دین را کامل گردانید و نعمت را بر ما تمام ساخت، و سلام و سلامتی باد بر نبی و رسول او محمد، پیامبر توبه و رحمت.

اما بعد: الله متعال فرموده است:

﴿...الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا...﴾

ترجمه: (... امروز دین تان را به شما کامل کردم، و نعمت خود را بر شما تمام نمودم، و اسلام را برای شما (به عنوان) دین پسندیدم...) [المائدة: ۳]، الله متعال می فرماید:

﴿أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ شَرَعُوا لَهُمْ مِنَ الدِّينِ مَا لَمْ يَأْذَنْ بِهِ اللَّهُ...﴾

ترجمه: (آیا (کافران) شریکانی دارند که برای ایشان دینی مقرر کرده است که الله به آن اجازه نداده است...؟) [الشوری: ۲۱]، و در صحیحین از عائشه رضی الله عنها روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «کسی که در دین ما نوآوری کند که در آن نباشد، مردود است». و در صحیح مسلم از جابر رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم در خطبه جمعه می فرمودند: «اما بعد: بهترین سخن کتاب الله است، و بهترین هدایت، هدایت محمد صلی الله علیه وسلم است، و بدترین امور، نوپیداهای آن است، و هر

بدعتی گمراهی است. آیات و احادیث در این مورد بسیار است، و اینها به صراحت دلالت میکنند که الله متعال برای امت دین شان را تکمیل نموده، و نعمت خود را بر ایشان تمام کرده است، و پیامبرش (صلی الله علیه وسلم) وفات ننمود مگر آنکه پیام آشکار را رسانید، و برای امت تمام اقوال و اعمالی را که الله برایشان مشروع گردانیده بود، بیان نمود. و پیامبر صلی الله علیه وسلم بیان داشته اند که هر آنچه را مردم بعد از او ایجاد می کنند و به دین اسلام نسبت می دهند، از اقوال یا اعمال؛ همه آن بدعت بوده و به ایجاد کننده اش پس داده می شود، اگرچه نیتش نیک باشد، و اصحاب رسول الله صلی الله علیه وسلم این امر را دانستند، و همچنین علمای اسلام بعد از آنها، پس بدعت ها را انکار نموده و از آن برحذر داشتند، چنانکه این را هر کسی که در بزرگداشت سنت و انکار بدعت تصنیف نموده، ذکر کرده است؛ مانند ابن وضاح، طرطوشی، ابی شامه و دیگران.

و از جمله بدعت هایی که بعضی از مردم ایجاد کرده اند: بدعت تجلیل از شب نیمه شعبان و مخصوص ساختن روز آن به روزه گرفتن است، و بر آن دلیلی که اعتماد بر آن جایز باشد، وجود ندارد، و در فضیلت آن احادیث ضعیفی روایت شده است که اعتماد بر آنها جایز نیست.

اما آنچه در مورد فضیلت نماز در آن آمده است، همه آن موضوع است، چنانکه بسیاری از علما بر آن تنبیه نموده اند، و ان شاء الله بعضی از گفتار شان ذکر خواهد شد.

و نیز در این باره آثاری از بعضی سلف از اهل شام و دیگران آمده است.

و آنچه جمهور علما بر آن اجماع کرده اند این است که جشن

گرفتن آن بدعت است، و احادیث وارد شده در فضیلت آن همه ضعیف، و بعضی از آنها موضوع است، و از جمله کسانی که بر این امر تنبیه کرده اند: حافظ ابن رجب، در کتابش: (لطايف المعارف)، و دیگران. و معلوم است که به احادیث ضعیف تنها در عباداتی عمل می‌شود که اصل آن با دلایل صحیح ثابت شده باشد. اما تجلیل از شب نیمه‌ی شعبان، هیچ اصل صحیحی ندارد که به احادیث ضعیف برای آن استدلال شود، و این قاعده‌ی جلیل را امام ابو العباس شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمه الله ذکر کرده است.

و من برای شما ای خواننده‌ی گرامی، گفته‌های برخی از علماء را در این مسئله نقل می‌کنم، تا در این مورد بینش روشنی داشته باشید. علماء. رحمهم الله. بر این اجماع نموده اند که واجب است مسایل مورد اختلاف مردم به کتاب الله جل جلاله و سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم ارجاع داده شود، پس آنچه را که این دو یا یکی از این دو حکم کرده باشد، همان شریعتی است که پیروی از آن واجب است، و آنچه با آن دو مخالفت داشته باشد، ترک آن واجب است، و هر عبادتی که در آن دو نیامده باشد، بدعت است و انجام آن جایز نیست، چه رسد به دعوت به سوی آن و تشویق نمودن به آن، الله سبحانه و تعالی فرموده است:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَزَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ
ذَٰلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا ﴿٥٩﴾)

ترجمه: (ای کسانی که ایمان آورده اید، از الله و پیامبر و از صاحبان

امرتان اطاعت کنید، و اگر در چیزی اختلاف کردید پس آن را به الله و رسول او (قرآن و سنت) برگردانید، اگر به الله و روز آخرت ایمان دارید، این (برای شما در دنیا) بهتر است و از نگاه عاقبت (آخرت) نیکوتر است [النساء: ۵۹]، الله متعال می فرماید:

﴿وَمَا اخْتَلَفْتُمْ فِيهِ مِنْ شَيْءٍ فَحُكْمُهُ إِلَى اللَّهِ...﴾

ترجمه: (و در هر چیزی که اختلاف کنید، حکم و فیصله آن به الله بر می گردد...) [الشوری: ۱۰] الله متعال می فرماید:

﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ...﴾

ترجمه: (بگو: اگر شما الله را دوست دارید پس از من پیروی کنید تا الله شما را دوست بدارد، و گناهان شما را بیامزد...) [آل عمران: ۳۱]. و او جل جلاله می فرماید:

﴿فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾

ترجمه: (این چنین نیست، به پروردگارت قسم که آنها مؤمن واقعی) نمی شوند تا آن که در حل اختلاف شان تو را حکم و داور قرار دهند، باز در دل خود هیچگونه دلتنگی راجع به حکم (و قضاوت) تو نیابند، و (در برابر فیصله تو) کاملاً تسلیم گردند [النساء: ۶۵]، و آیت ها در این معنا زیاد اند، و اینها نص صریح است بر وجوب برگرداندن مسائل اختلافی به کتاب و سنت، و وجوب راضی بودن به حکم آن دو، و اینکه این کار مقتضای ایمان است، و برای بندگان در دنیا و آخرت بهتر بوده، و نیکوترین فرجام را دارد: یعنی بهترین عاقبت.

حافظ ابن رجب . رحمه الله . در کتابش (لطائف المعارف) در مورد این مسئله، پس از سخنان قبلی، چنین می‌فرماید:

و شب نیمه شعبان را تابعین از اهل شام؛ مانند خالد بن معدان، مکحول، و لقمان بن عامر و دیگران، تعظیم می‌کردند و در آن به عبادت اجتهاد می‌ورزیدند، و مردم فضیلت و تعظیم آن را از ایشان فرا گرفتند، و گفته شده است که در این مورد روایات اسرائیلی به آنها رسیده بود، پس هنگامی که این امر از آنان در شهرها شهرت یافت، مردم در این مورد اختلاف کردند؛ برخی از آنان آن را پذیرفتند و در تعظیم آن با آنها موافقت نمودند، که از جمله آنان گروهی از عابدان بصره و دیگران بودند. و اکثر علماء حجاز، از جمله: عطاء و ابن ابی مُلَیکه، این را انکار کرده‌اند؛ و عبدالرحمن بن زید بن اسلم آن را از فقهای اهل مدینه نقل کرده است، و این قول اصحاب مالک و دیگران نیز می‌باشد، و گفته‌اند: همه‌ی آن بدعت است.

و علمای اهل شام در صفت احیای آن بر دو قول اختلاف نظر دارند:

یکی از آنها: اینکه احیای آن با جماعت در مساجد مستحب است، خالد بن معدان و لقمان بن عامر و دیگران در آن بهترین لباس‌های شان را می‌پوشیدند، و بخور نموده و سرمه می‌کشیدند، و آن شب را در مسجد قیام می‌نمودند، و اسحاق بن راهویه نیز بر آن موافق بود. و در مورد برپا داشتن آن در مساجد با جماعت فرمود: این کار بدعت نیست، این را حرب کرمانی در مسائل خود نقل کرده است.

و دوم اینکه: اجتماع در آن در مساجد برای نماز، قصه خوانی و دعا مکروه است، و مکروه نیست که شخص در آن به تنهایی نماز بخواند، و این قول اوزاعی، امام، فقیه و عالم اهل شام است، و این

نزدیکتر به صواب است ان شاء الله.» تا آنجا که می گوید: "و از امام احمد کلامی در مورد شب نیمه شعبان معلوم نیست، و در مورد مستحب بودن قیام آن، از دو روایتی که از وی در مورد قیام دو شب عید نقل شده، دو روایت تخریج می شود، زیرا او (در یک روایت) قیام آن را به صورت جماعت مستحب ندانسته است؛ چون از پیامبر صلی الله علیه وسلم و اصحابش نقل نشده است، و (در یک روایت) آن را به دلیل عمل عبدالرحمن بن یزید بن الاسود که از تابعین است، مستحب دانسته اند؛ به همین ترتیب، در مورد قیام شب نیمه، چیزی از پیامبر ﷺ و اصحاب وی ثابت نشده است، بلکه از گروهی از تابعین که از فقهای برجسته اهل شام بوده اند، ثابت شده است."

مقصود از کلام حافظ ابن رجب رحمه الله پایان یافت، و در آن به صراحت بیان می کند که هیچ چیزی از پیامبر صلی الله علیه وسلم و نه از اصحابش رضي الله عنهم در مورد شب نیمه شعبان ثابت نشده است.

و اما آنچه اوزاعی رحمه الله در مورد مستحب بودن ادای آن به صورت انفرادی اختیار کرده است، و انتخاب این قول توسط حافظ ابن رجب، غریب و ضعیف می باشد؛ زیرا هر چیزی که مشروع بودنش با دلایل شرعی ثابت نشده باشد، برای مسلمان جایز نیست که آن را در دین الله ایجاد کند، خواه آن را به صورت انفرادی انجام دهد یا در جماعت، و خواه آن را پنهانی انجام دهد یا آشکارا؛ به دلیل عمومیت قول پیامبر صلی الله علیه وسلم: "هر که کاری انجام دهد که امر ما بر آن نیست، آن [کار] مردود است". و دیگر دلایل دال بر انکار بدعت ها و هشدار در باره آنها است.

امام ابوبکر طرطوشی. رحمه الله. در کتاب خود - الحوادث والبدع

- چنین می گوید:

«ابن وضاح از زید بن اسلم روایت کرده است که فرمود: ما هیچ یک از مشایخ و فقهای خود را در نیافتیم که به نیمه شعبان توجه کنند، و به حدیث مکحول اعتنا نمایند، و برای آن فضیلتی بر دیگر شب‌ها قائل باشند».

و برای ابن ابی ملیکه گفته شد: که زیاد النمیری می گوید: «همانا اجر شب نیمه شعبان مانند اجر شب قدر است»، و فرمود: «اگر از او می شنیدم و عصا در دست می داشتم، او را می زدم» و زیاد قصه گو بود، مقصود پایان یافت.

علامه شوکانی رحمه الله در کتاب «الفوائد المجموعة» چنین می گوید:

حدیث: «ای علی، هر که در شب نیمه شعبان صد رکعت نماز بخواند و در هر رکعت سوره فاتحه و ده مرتبه (قل هو الله أحد) بخواند، الله تمام حاجات او را برآورده می‌سازد» و غیره. آن موضوعی است، و در الفاظ صریح آن در مورد پاداش انجام دهنده اش، چیزی ذکر شده که هیچ انسان صاحب تشخیصی در موضوعی بودن آن شک نمی‌کند، و راویان آن مجهول هستند، و از طریق دوم و سوم نیز روایت شده که همه آنها موضوعی بوده و راویانشان مجهول اند. و در «مختصر» گفته است: حدیث نماز نیمه شعبان باطل است، و ابن حبان از حدیث علی روایت نموده است: «هرگاه شب نیمه شعبان بود، پس در شب آن قیام کنید و روز آن را روزه بگیرید»، ضعیف. و در «اللائی» گفته است: «صد رکعت در نیمه شعبان با (سوره) اخلاص ده مرتبه» با وجود فضیلت طولانی آن، روایت دیلمی و دیگران موضوعی است، و جمهور روایات آن در سه طریق، مجاهیل و

ضعفاء هستند. گفت: «و دوازده رکعت با سوره اخلاص سی مرتبه». موضوع است، و «چهارده رکعت» نیز موضوع است.

و جماعتی از فقهاء مانند صاحب (احیاء) و غیره و همچنین از مفسرین، به این حدیث فریب خورده اند، و نماز این شب. یعنی: شب نیمه شعبان. به گونه‌های مختلف روایت شده است که همه آنها باطل و موضوع می‌باشد، و این با روایت ترمذی از حدیث عایشه رضی الله عنها در مورد رفتن پیامبر ﷺ به بقیع، و نازل شدن پروردگار در شب نیمه (شعبان) به آسمان دنیا، و اینکه او بیشتر از تعداد موی گوسفندان قبیله کلب را می‌بخشد، منافات ندارد، زیرا سخن تنها در مورد این نماز ساختگی در این شب است، علاوه بر این که این حدیث عائشه ضعف و انقطاع دارد، حدیث علی نیز که ذکر آن در مورد قیام شب او گذشت، با وجود ضعفی که در آن است چنانکه ذکر کردیم، با موضوع بودن این نماز منافات ندارد. «خلاصه مطلب پایان یافت.

حافظ عراقی فرمود: «حدیث نماز شب نیمه بر رسول الله صلی الله علیه وسلم موضوع و کذب است»، امام نووی در کتاب (المجموع) می‌فرماید: «نماز معروف به نماز رغائب، که دوازده رکعت بین مغرب و عشاء در شب اولین جمعه ماه رجب خوانده می‌شود، و نماز شب نیمه شعبان که صد رکعت است، این دو نماز، دو بدعت منکر و ناپسند می‌باشند. نباید به ذکر شدن آنها در کتاب (قوت القلوب) و (احیاء علوم الدین) و نه به حدیثی که در آن دو ذکر شده است، فریب خورد؛ زیرا همه اینها باطل است، و همچنان نباید فریب برخی از امامانی را خورد که حکم این دو بر آنان مشتبه گردیده و رساله‌هایی در مورد مستحب بودن آن نوشته‌اند، زیرا او در این مورد به خطا رفته است».

و شیخ امام ابو محمد عبدالرحمن بن اسماعیل مقدسی کتاب ارزشمندی در رد آن دو تالیف نموده، و در آن بسیار عالی و نیکو بیان داشته است. و سخنان اهل علم در این مسئله بسیار زیاد است، و اگر بخواهیم تمام آنچه را که در این مورد از سخنان یافته ایم نقل کنیم، سخن به درازا خواهد کشید، و امید است در آنچه ذکر کردیم برای جوینده حق، کفایت و قناعت باشد.

و در روشنی آنچه از آیات، احادیث و کلام اهل علم گذشت: برای طالب حق واضح می گردد که برگزاری محافل در شب نیمه شعبان با نماز یا غیر آن، و مخصوص گردانیدن روز آن به روزه؛ نزد اکثر اهل علم بدعتی منکر است، و در شرع مطهر اصلی ندارد، بلکه از جمله اموری است که بعد از عصر صحابه رضی الله عنهم در اسلام پدید آمده است، و طالب حق را در این باب و غیر آن، سخن الله جل جلاله کفایت می کند:

(...الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ...)

ترجمه: (...امروز دین تان را به شما کامل کردم...) [المائدة: ۳]. و آیات که در این معنا آمده است، و قول پیامبر ﷺ: «کسی که در دین ما نوآوری کند که در آن نباشد، مردود است». و احادیث که در این معنا آمده است.

و در صحیح مسلم از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «شب جمعه را از میان شبها به قیام اختصاص ندهید، و روز آن را از میان روزها به روزه گرفتن اختصاص ندهید، مگر اینکه مصادف با روزه ای باشد که یکی از شما می گیرد». پس اگر اختصاص دادن شبی از شبها به نوعی از

عبادت جایز می بود، شب جمعه شایسته تر از دیگر شب‌ها می بود؛ زیرا روزش بهترین روزی است که خورشید بر آن طلوع کرده است، به نص احادیث صحیح از رسول الله صلی الله علیه وسلم، پس وقت پیامبر صلی الله علیه وسلم از مخصوص ساختن آن شب به قیام در میان دیگر شب‌ها هشدار داد، این امر دلالت بر آن دارد که تخصیص دادن سایر شب‌ها به عبادتی خاص، به طریق اولی جایز نیست، مگر به دلیل صحیح که بر این تخصیص دلالت نماید.

و از آنجایی که قیام و کوشش در عبادت در شب قدر و شب‌های رمضان مشروع است، پیامبر صلی الله علیه وسلم بر این امر تأکید ورزیده، امت را بر برپایی آن تشویق نموده، و خود نیز آن را انجام داده اند، چنانکه در صحیحین از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت است که فرمودند: «کسی که شب‌های رمضان را از روی ایمان و به امید ثواب شب خیزی کند، گناهان قبلی او بخشیده می شود، و کسی که شب قدر را از روی ایمان و به امید ثواب شب خیزی کند، گناهان قبلی او بخشیده می شود». پس اگر مشروع می بود که شب نیمه شعبان، یا شب اولین جمعه ماه رجب یا شب اسراء و معراج به جشن و یا نوعی از عبادت تخصیص داده شود، پیامبر صلی الله علیه وسلم امت را به آن راهنمایی می کردند، یا خودشان آن را انجام می دادند، و اگر چیزی از این قبیل واقع می شد، یاران پیامبر صلی الله علیه وسلم رضی الله عنهم آن را به امت نقل می کردند و از آنان پنهان نمی نمودند، و آنان بهترین و خیرخواه ترین مردم بعد از پیامبران علیهم الصلاة والسلام هستند، و الله متعال از یاران رسول الله صلی الله علیه وسلم راضی باد و آنان را خشنود گرداند.

و پیشتر از سخنان علما دانستی که در فضیلت شب اولین جمعه

رجب، و شب نیمه شعبان، چیزی از رسول الله صلی الله علیه وسلم و از اصحاب ایشان رضی الله عنهم ثابت نشده است، پس دانسته شد که تجلیل از آن دو بدعتی نوپیدا در اسلام است، و همچنین اختصاص دادن آنها به نوعی از عبادت، بدعتی منکر است. و به همین ترتیب شب بیست و هفتم رجب، که برخی از مردم معتقدند شب اسراء و معراج است، اختصاص دادن آن به نوعی از عبادت جایز نیست، و همچنان تجلیل از آن نیز جواز ندارد؛ بنابر دلایل گذشته. این در صورتی است که تاریخ آن مشخص می بود، پس چگونه جواز دارد در حالیکه بنابر قول صحیح علما، تاریخ آن مشخص نیست. و این قول که آن شب، شب بیست و هفتم رجب است، قوی باطل است که در احادیث صحیح هیچ اساسی ندارد، و به راستی چه نیکو گفته است آنکه گفته است:

بهترین امور، امور گذشته ای است که بر هدایت بوده... و بدترین امور، امور نوپیدا و بدعت هاست.

و از الله متعال خواهانیم که ما و سایر مسلمانان را به تمسک به سنت و استقامت بر آن، و پرهیز از آنچه خلاف آن است، توفیق دهد، که او صاحب جود و سخاوت است.

وصلی الله وسلم علی عبده ورسوله نبینا محمد وعلی آله و صحبه اجمعین.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رساله هشتم:

تنبیه مهم درباره کذب وصیت منسوب

شیخ احمد خادم حرم نبوی شریف

از عبد العزیز بن عبد الله بن باز برای هر مسلمانی که بر آن اطلاع می‌یابد، الله متعال ایشان را به وسیله اسلام حفظ نماید، و ما و ایشان را از شر افتراهای جاهلان فرومایه پناه دهد، آمین.
سلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

اما بعد: نوشته یی به شیخ احمد خادم حرم نبوی شریف منسوب است با عنوان: «این وصیت است از مدینه منوره از شیخ احمد خادم حرم نبوی شریف»، که در آن چنین گفته است:

«شب جمعه بیدار بودم و به تلاوت قرآن کریم مشغول بودم، و بعد از تلاوت اسماء الله الحسنى، وقت از آن فارغ شدم، برای خواب آماده گشتم، پس در خواب، صاحب آن چهره‌ی نورانی، رسول الله صلی الله علیه وسلم را دیدم، همان کسی که آیات قرآنی و احکام شریف را به عنوان رحمتی برای جهانیان آورد، سرور ما محمد صلی الله علیه وسلم. ایشان فرمودند: ای شیخ احمد، گفتیم: لبیک یا رسول الله، ای گرامی‌ترین مخلوق الله،» به من گفت: من از اعمال زشت مردم شرمنده هستم، و توانایی ندارم که با پروردگارم و فرشتگان روبرو شوم؛ زیرا از جمعه تا جمعه یکصد و شصت هزار نفر به غیر دین اسلام مردند -سپس برخی از نافرمانی‌هایی را که مردم مرتکب شده بودند، ذکر کرد. سپس فرمود: پس این وصیت رحمتی است به آنان از جانب عزیز و جبار. سپس برخی از علامت‌های قیامت را بیان کرد،

تا اینکه گفت: - پس ای شیخ احمد، آنها را از این وصیت آگاه ساز؛ زیرا که آن با قلم تقدیر از لوح محفوظ نقل شده است، و هرکس آن را بنویسد و از شهری به شهر دیگر و از مکانی به مکان دیگر بفرستد، برای او قصری در بهشت ساخته می شود، و هرکس آن را ننویسد و نفرستد، شفاعت من در روز قیامت بر او حرام می شود. و هرکس آن را بنویسد و فقیر باشد، الله او را غنی می گرداند، یا مدیون باشد، الله قرضش را ادا می نماید، یا گناهی بر او باشد، الله او و والدینش را به برکت این وصیت می آمرزد. و هرکس از بندگان الله که آن را ننویسد، در دنیا و آخرت روسیاه می گردد، و فرمود: «سه بار به الله بزرگ قسم که این یک حقیقت است، و اگر دروغگو باشم از دنیا بر غیر اسلام خارج شوم، و هرکس آن را تصدیق کند از عذاب آتش نجات می یابد، و هرکس آن را تکذیب کند، کافر شده است».

این خلاصه وصیت دروغین است که بر رسول الله صلی الله علیه وسلم بسته شده است، و ما این وصیت دروغین را از سالها بدینسو بارها شنیده ایم که وقتا فوقتا در میان مردم نشر می شود، و در میان بسیاری از عوام ترویج می گردد، و در الفاظ آن اختلاف است. و دروغ پرداز آن می گوید: که وی نبی صلی الله علیه وسلم را در خواب دیده و این وصیت را به وی سپرده است، و در این اعلامیه اخیر که برای شما ای خواننده گرامی بیان کردیم، شخص افتراکننده در آن ادعا کرده است که نبی صلی الله علیه وسلم را هنگامی که برای خواب آماده می شد، دیده است؛ پس معنای آن این است: که وی را در بیداری دیده است!

این مفتری در این وصیت امور بسیاری را ادعا کرده است؛ که از واضح ترین دروغ، و آشکارترین باطل می باشد، به زودی در این نوشته

ان شاء الله شما را بر آن آگاه خواهم ساخت، و در سال های گذشته نیز به آن تذکر داده ام، و برای مردم بیان کرده ام که آن از واضح ترین دروغ، و آشکارترین باطل است، پس هنگامی که از این نشریه اخیر مطلع شدم، در نوشتن در باره آن تردید کردم، به دلیل آشکار بودن بطلانش، و بزرگی جرأت مفتری آن بر دروغگویی، و گمان نمی کردم که بطلان آن بر کسی که کمترین بصیرت، یا فطرت سالمی دارد، رواج یابد. لیکن بسیاری از برادران به من خبر دادند که آن در میان بسیاری از مردم رواج یافته، و آن را میان خود دست به دست کرده و برخی هم آن را تصدیق نموده اند؛ از این رو، نوشتن درباره آن را بر امثال خود واجب دانستم، تا بطلان آن، و اینکه بر رسول الله صلی الله علیه وسلم دروغ بسته شده است را بیان نمایم، تا کسی فریب آن را نخورد. و هر کس از اهل علم و ایمان، یا صاحبان فطرت سالم و عقل سلیم در آن تامل کند، در می یابد که از جهات زیادی دروغ و افترا است. و از بعضی نزدیکان شیخ احمد در مورد این وصیت که به دروغ به او نسبت داده شده است، پرسیدم، پس در جوابم گفت: که این بر شیخ احمد دروغ بسته شده است و او اصلاً آن را نگفته است. و شیخ احمد مذکور مدتی پیش وفات نموده است، و اگر فرض کنیم که شیخ احمد مذکور، یا کسی که از او بزرگتر است، ادعا کند که پیامبر صلی الله علیه وسلم را در خواب یا بیداری دیده است و ایشان او را به این وصیت سفارش نموده اند، به یقین می دانستیم که او دروغگو است، یا اینکه آن کسی که این سخن را به او گفته شیطان است، نه رسول الله صلی الله علیه وسلم؛ به دلایل بسیاری:

اولاً: رسول الله صلی الله علیه وسلم بعد از وفات شان در بیداری دیده نمی شوند، و هر کس از صوفی های جاهل که ادعا کند که پیامبر

صلی الله علیه وسلم را در بیداری می بیند، یا اینکه ایشان در محفل مولود حاضر می شوند، یا امثال آن؛ یقیناً که او مرتکب زشت ترین اشتباه شده، و کاملاً فریب خورده، و در خطای بزرگی واقع شده، و با کتاب، سنت و اجماع اهل علم مخالفت ورزیده است؛ زیرا مردگان تنها در روز قیامت از قبرهای شان بیرون می آیند نه در دنیا. و هر که خلاف آن بگوید، پس او یا دروغگوی آشکار است، یا خطاکاری است که امر بر او مشتبه شده است، و حق را که سلف صالح شناخته و اصحاب رسول الله ﷺ و پیروان نیکوکارشان بر آن راه رفته اند، نشناخته است. الله متعال می فرمایند:

﴿ثُمَّ إِنَّكُمْ بَعْدَ ذَلِكَ لَمَيِّتُونَ ﴿١٥﴾ ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تُبْعَثُونَ ﴿١٦﴾﴾

ترجمه: (باز شما بعد از این مراحل حتماً می میرید ۱۵)

باز شما روز قیامت برانگیخته خواهید شد ۱۶) [المؤمنون: ۱۵، ۱۶]، پیامبر ﷺ فرمودند: «من نخستین کسی هستم که در روز قیامت زمین برایم شکافته می شود، و من نخستین شفاعت کننده و نخستین کسی هستم که شفاعتش پذیرفته می شود». و آیت ها و احادیث درین معنا زیاد اند.

دوم: اینکه رسول الله صلی الله علیه وسلم خلاف حق نمی گوید، نه در حیاتش و نه در وفاتش، و این وصیت با شریعت او مخالفت آشکار دارد، و این از جهات زیادی است. چنانکه خواهد آمد، و او صلی الله علیه وسلم ممکن است در خواب دیده شود، و هرکس پیامبر صلی الله علیه وسلم را در خواب در صورت مبارک شان ببیند، در واقع ایشان را دیده است؛ زیرا شیطان نمی تواند به صورت ایشان درآید، چنانکه در حدیث صحیح و شریف در این باره آمده است. اما

تمام مسئله بر می گردد به ایمان، راستگویی، عدالت، دقت، دینداری و امانتداری بیننده خواب، و اینکه آیا پیامبر صلی الله علیه وسلم را در صورت اصلی شان دیده است یا در صورتی غیر از آن.

و اگر حدیث از پیامبر صلی الله علیه وسلم که در حیات خویش فرموده باشد، از طریق غیر از راویان مورد اعتماد، عادل و دقیق نقل شود، قابل اعتماد نبوده و به آن استناد نمی شود. یا اگر از طریق راویان مورد اعتماد و دقیق نقل شود، اما با روایت کسی که از آنها حافظه قوی تر و مورد اعتمادتر است، چنان مخالفی داشته باشد که تطبیق بین دو روایت ممکن نباشد، در این صورت یکی از آنها منسوخ بوده و به آن عمل نمی شود، و دومی ناسخ بوده و به آن عمل می شود، البته در صورتی که شرایط آن فراهم باشد. و هرگاه تطبیق و نسخ ممکن نباشد، واجب است که روایت کسی که حافظه ضعیف تر و عدالت کمتری دارد، رد شود، و حکم بر شاذ بودن آن شده و به آن عمل نمی شود.

پس حال وصیتی چگونه است که صاحبش که آن را از رسول الله صلی الله علیه وسلم نقل کرده، شناخته شده نیست و عدالت و امانتش نیز معلوم نمی باشد، پس در این حالت سزاوار است که کنار گذاشته شود و به آن توجهی نشود، حتی اگر در آن چیزی مخالف شرع نباشد؛ پس چگونه خواهد بود اگر وصیت مشتمل بر امور زیادی باشد که بر بطلان آن دلالت کند، و اینکه بر رسول الله صلی الله علیه وسلم دروغ بسته شده، و متضمن تشریع دینی باشد که الله به آن اجازه نداده است؟

پیامبر ﷺ فرمودند: «هر کس بر من چیزی بگوید که من نگفته ام، جایگاه خود را در آتش مهیا سازد». و سازنده این وصیت دروغین،

چیزی را به رسول الله صلى الله عليه وسلم نسبت داده است که ایشان نگفته‌اند، و بر ایشان دروغ آشکار و خطرناک بسته است، پس چقدر سزاوار این وعید بزرگ، و مستحق آن است اگر برای توبه کردن شتاب نکند و دروغ بودن این وصیت را که بر رسول الله صلى الله عليه وسلم بسته شده، برای مردم آشکار نسازد؛ زیرا هرکس باطلی را در میان مردم پخش کند و آن را به دین نسبت دهد؛ توبه‌اش از آن پذیرفته نمی‌شود مگر با اعلان و آشکار ساختن آن؛ تا مردم بدانند که او از دروغ خود بازگشته و خود را تکذیب کرده است؛ به دلیل این فرموده الله جل جلاله:

(إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّعْنُونَ ﴿١٥٩﴾ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَبَيَّنُّوا فَأُولَٰئِكَ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَأَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ﴿١٦٠﴾)

ترجمه: (البته کسانی که دلایل روشن، و هدایتی را که ما فرستاده‌ایم پنهان می‌کنند، بعد از آن که آن را در کتاب برای مردم بیان نموده‌ایم، آن گروه مورد لعنت الله و لعنت کنندگان قرار می‌گیرند ۱۵۹ مگر آنانکه توبه کرده‌اند، و (عمل خود را) اصلاح کرده‌اند، و دلائل و هدایت ما را بیان داشته‌اند، پس توبه آنها را قبول می‌کنم، و منم قبول‌کننده توبه، (و) بی‌نهایت مهربان ۱۶۰) [البقرة: ۱۵۹-۱۶۰]، پس الله متعال در این آیه کریمه واضح می‌سازد که توبه کسی که چیزی از حق را پنهان میکند، درست نیست مگر بعد از اصلاح و بیان آن. و الله متعال دین را برای بندگانش تکمیل نموده، و با بعثت پیامبرش محمد صلى الله عليه وسلم و آنچه از شریعت کامل بر او وحی نموده،

نعمت خود را بر ایشان تمام کرده است، و او را وفات نداد مگر بعد از تکمیل و بیان، چنانکه الله متعال میفرماید:

﴿...الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا...﴾

(امروز دین تان را به شما کامل کردم، و نعمت خود را بر شما تمام نمودم، و اسلام را برای شما (به عنوان) دین پسندیدم...) [المائدة: ۳]

و مفتری این وصیت در قرن چهاردهم آمده است، و می خواهد که دین جدیدی را بر مردم مشتبه سازد، که بر اساس آن، هرکس تشریع او را بپذیرد وارد جنت می شود، و هرکس آن را نپذیرد از جنت محروم و وارد دوزخ می گردد. و می خواهد این وصیت دروغین را بزرگتر و برتر از قرآن قرار دهد، چنانکه در آن به دروغ چنین آورده است: هرکس آن را بنویسد و از شهری به شهر دیگر یا از مکانی به مکان دیگر بفرستد؛ برایش قصری در جنت بنا می گردد، و هرکس آن را ننویسد و نفرستد، در روز قیامت از شفاعت پیامبر صلی الله علیه وسلم محروم می گردد، و این از قبیح ترین دروغ ها، و از واضح ترین دلایل بر کذب این وصیت، و کم حیای افتراکننده آن، و بزرگی جرأتش بر دروغ گفتن است؛ زیرا کسی که قرآن کریم را بنویسد و آن را از شهری به شهر دیگر، یا از محلی به محل دیگر بفرستد، در صورتی که به قرآن کریم عمل نکند این فضیلت برایش حاصل نمی شود، پس چگونه برای نویسنده این افترا و نقل کننده آن از شهری به شهر دیگر حاصل می گردد. و کسی که قرآن را ننوشته و از شهری به شهری نفرستاده باشد، از شفاعت پیامبر ﷺ محروم نمی شود، اگر به او مؤمن و پیرو شریعت او باشد. و این افترای واحد در این وصیت، به تنهایی برای دلالت بر

بطلان آن و دروغگویی ناشرش، و وقاحت و غباوت و دوری‌اش از معرفت آنچه رسول الله صلی الله علیه وسلم از هدایت آورده است، کافی است.

و در این وصیت - علاوه بر آنچه ذکر شد - امور دیگری نیز وجود دارد که همه بر باطل بودن و دروغ بودن آن دلالت می‌کند، حتی اگر افتراکننده آن هزار قسم یا بیشتر بر صحت آن بخورد، و حتی اگر بر خود به بزرگترین عذاب و سخت‌ترین مجازات نفرین کند که او راستگو است؛ راستگو نخواهد بود، و آن صحیح نمی‌باشد، بلکه قسم به الله و باز هم قسم به الله که آن از بزرگترین و قبیح‌ترین باطل است، و ما الله سبحانه و فرشتگانی را که نزد ما حاضر اند، گواه می‌گیریم، و هر مسلمانی که بر این نوشته مطلع گردد - گواهی است که با آن پروردگار ما جل جلاله را ملاقات می‌کنیم - بداند که این وصیت دروغ و افترا بر رسول الله صلی الله علیه وسلم است. الله کسی را که آن را به دروغ ساخته است رسوا کند و با او مطابق استحقاقش معامله نماید.

و بر کذب این وصیت و بطلان آن، علاوه بر آنچه گذشت، موارد بسیاری از متن ذکر شده آن دلالت می‌کند، از جمله:

امر اول: این سخن وی در آن: (زیرا از جمعه تا جمعه یکصد و شصت هزار تن بر غیر دین اسلام وفات کرده اند)؛ زیرا این از علم غیب است، و وحی بر رسول الله ﷺ بعد از وفات شان قطع گردیده بود، و ایشان در حیات خویش غیب را نمی‌دانستند، پس چگونه بعد از وفات شان می‌دانند؟ بنا بر این فرموده الله سبحانه:

﴿قُلْ لَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ...﴾

ترجمه: (بگو: من به شما نمی‌گویم که خزانه‌های الله نزد من

است، و نمی‌گوییم که غیب را میدانم...) [الأنعام: ۵۰] وقول الله متعال:

﴿قُلْ لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ...﴾

ترجمه: (بگو: هرکه در آسمان‌ها و زمین است، غیب را نمی‌داند جز الله ...) [النمل: ۶۵]، و در حدیث صحیح از پیامبر - صلی الله علیه وسلم - روایت است که فرمودند: «روز قیامت مردانی از حوض من رانده می‌شوند، پس می‌گویم: پروردگارا! یارانم، یارانم، پس به من گفته می‌شود: تو نمی‌دانی که آنان پس از تو چه چیزهایی را پدید آوردند، پس من نیز همانطور که بنده صالح گفت، می‌گویم: ﴿وَكُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مَّا دُمْتُ فِيهِمْ فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِي كُنْتُ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ﴾ [المائدة: ۱۱۷]، و تا وقتی در میانشان بودم بر آنان گواه بودم، پس چون روح مرا گرفتی تو خود بر آنان نگهبان بودی و تو بر هر چیز گواهی».

امر دوم: -از جمله اموری که بر بطلان این وصیت و دروغ بودن آن دلالت می‌کند-، این سخن در آن است که: (هرکس آن را بنویسد و فقیر باشد، الله او را بی‌نیاز می‌گرداند، یا مدیون باشد، الله قرضش را ادا می‌کند، یا گناهی بر او باشد، الله او و والدینش را به برکت این وصیت می‌آمرزد) إلى آخره. و این از بزرگترین دروغ‌ها، و واضح‌ترین دلایل بر دروغ افتراکننده آن است، و کمی حیائی او از الله متعال و بندگان می‌باشد؛ زیرا این سه امر به مجرد نوشتن قرآن کریم حاصل نمی‌شود، پس چگونه برای کسی که این وصیت باطل را نوشته است، حاصل می‌شود؟ و این پلید فقط می‌خواهد که مردم را فریب دهد و آنان را به این وصیت وابسته سازد؛ تا آن را بنویسند و به این فضیلت

دروغین دل ببندند، و اسباب را که الله متعال برای بندگانش مشروع ساخته و وسیله ای برای رسیدن به توانگری، ادای قرض و آمرزش گناهان قرار داده است، ترک کنند، پس به الله پناه می بریم از اسباب خواری و پیروی از هوای نفس و شیطان.

سوم: -از اموری که بر باطل بودن این وصیت دلالت میکند-، گفته‌ء او در آن: (و هرکس از بندگان الله آن را ننویسد؛ رویش در دنیا و آخرت سیاه می گردد). و این. نیز. از قبیح ترین دروغ ها، و از واضح ترین دلایل بر بطلان این وصیت، و دروغ افتراکننده آن است. چگونه در عقل یک عاقل جایز است که این وصیت را بنویسد که مردی ناشناس در قرن چهاردهم آن را آورده، بر رسول الله صلی الله علیه وسلم افترا می بندد و ادعا می کند که هرکس آن را ننویسد، رویش در دنیا و آخرت سیاه می شود، و هرکس آن را بنویسد، پس از فقر ثروتمند می شود، و پس از انباشته شدن قرض از آن رهایی می یابد، و گناهیانی که مرتکب شده برایش بخشیده می شود!

تو پاک و منزّه هستی -ای الله-، این یک بهتان بزرگ است!! و دلایل و واقعیت به دروغ این مفتی، و به بزرگی جرأت او در برابر الله متعال، و کم حیایی او از الله متعال و از مردم گواهی میدهند، پس اینها امت های بسیاری هستند که آن را نوشتند، و روی های شان سیاه نشد، و در اینجا گروه بزرگی است که شمار شان را جز الله متعال کسی نمی داند، که آن را بارها نوشته اند، اما قرض شان ادا نگردید، و فقر شان از بین نرفت. پس به الله متعال پناه می بریم از کجی دل ها، و زنگار گناهان. و اینها صفات و جزاءهای است که شریعت شریف برای کسی که بهترین و بزرگترین کتاب یعنی قرآن کریم را نوشته، نیاورده است، پس چگونه برای کسی حاصل می شود که وصیت دروغین نوشته که

مشمول بر انواع باطل و جملات فراوانی از انواع کفر است، سبحان الله!! چقدر بردبار است بر کسی که با دروغ بر او جرأت ورزیده است. امر چهارم: -از جمله موارد دال بر اینکه این وصیت از باطل ترین امور و واضح ترین دروغ ها است- این سخن وی در آن است که: (هر کس آن را تصدیق کند، از عذاب آتش نجات می یابد، و هر کس آن را تکذیب کند، کافر می شود)، و این نیز از بزرگترین جسارت بر دروغ، و از قبیح ترین باطل است، این افترا کننده همه مردم را دعوت می کند، تا افترای او را تصدیق کنند، و ادعا می کند که آنها به این وسیله از عذاب آتش نجات می یابند، و اینکه هر کس آن را تکذیب کند، کافر می شود، به الله قسم، این دروغگو بر الله افترای بزرگی بسته است، و به الله قسم، ناحق گفته است، همانا کسی که آن را تصدیق کند، اوست که سزاوار کافر بودن است، نه کسی که آن را تکذیب کند؛ زیرا که آن افترا و باطل و دروغی است که هیچ اساسی از صحت ندارد، و ما الله را گواه می گیریم که آن دروغ است، و اینکه افترا کننده آن دروغگو می باشد، می خواهد برای مردم چیزی را شریعت بسازد که الله به آن اجازه نداده است، و در دین شان چیزی را داخل کند که از آن نیست، و حال آنکه الله دین را برای این امت، چهارده قرن پیش از این افترا، کامل و تمام گردانیده است. پس آگاه باشید: ای خوانندگان و برادران، و از تصدیق کردن چنین افتراها و رواج یافتن آن در میان تان بپرهیزید، زیرا حق نوری دارد که بر جویندهی آن پوشیده نمی ماند، پس حق را با دلیل آن جستجو کنید، و در مورد آنچه بر شما مشکل است از اهل علم بپرسید، و فریب سوگند دروغگویان را نخورید، زیرا ابلیس لعین برای پدر و مادر شما آدم و حواء سوگند یاد کرد که برای آنان از خیرخواهان است، در حالیکه او بزرگترین خائنان و دروغگوترین

دروغگویان است، چنانکه الله سبحانه و تعالی در این مورد از او حکایت نموده و فرموده است:

﴿وَقَاسَهُمَا إِنِّي لَكُمَا لَمِنَ النَّاصِحِينَ﴾

ترجمه: (و برای آن دو قسم خورد که من برای شما از خیرخواهانم)

[الأعراف: ۲۱]. پس از او، و از پیروان افتراکننده اش برحذر باشید، زیرا او و آنان چه بسیار سوگندهای دروغین، پیمانهای خیانت آمیز و گفتارهای آراسته برای فریب دادن و گمراه کردن دارند! و اما آنچه این مفتری از ظهور منکرات ذکر کرده است؛ این یک امر واقع است، و قرآن کریم و سنت مطهره از آن به شدت برحذر داشته اند، و در آن دو هدایت و کفایت است.

و اما آنچه در مورد شرایط قیامت ذکر شده است، احادیث نبوی آنچه را که از علامت های قیامت است، روشن ساخته است، و قرآن کریم به برخی از آن اشاره کرده است، پس هرکس که بخواهد آن را بداند، آن را در جایگاهش در کتاب های سنت و تالیفات اهل علم و ایمان می یابد، و مردم به بیان چنین مفتری و فریبکاری او، و آمیختن حق با باطل توسط وی، نیازی ندارند. الله متعال من، شما و سایر مسلمانان را از شر شیاطین، فتنه های گمراه کنندگان، انحراف منحرف شوندگان، و فریب دشمنان باطل گرای الله در امان بدارد، کسانی که می خواهند نور الله متعال را با دهان های شان خاموش کنند، و دین را بر مردم مشتبّه سازند، و الله متعال کامل کننده نور خود و یاری کننده دین خود است، هرچند دشمنان الله از شیاطین و پیروان شان از کافران و ملحدان آن را خوش نداشته باشند. از الله متعال می خواهیم که احوال مسلمانان را اصلاح کند، و آنان را به پیروی از حق،

استقامت بر آن، و توبه به سوی الله متعال از همه گناهان توفیق دهد، زیرا او ذات توبه پذیر، مهربان و بر هر چیز توانا است. و الله برای [محافظت از] ما بس است و [او] بهترین [مراقب و] کارساز است، و هیچ نیرو و توانی نیست مگر از سوی الله بلند مقام و بزرگ. و ثنا و صفت پروردگار عالمیان را، و سلام و سلامتی الله باد بر بنده و رسول او صادق و امین، و بر آل و اصحاب او و پیروانش به نیکی تا روز دین.

prs۳۹۷۷ ۴,۰۰ - ۲۰۲۶/۰۷/۰۴



رسالة الحرمين

پیام الحرمين

محتوای راهنما برای زیارت کنندگان مسجدالحرام و مسجدالنبی به زبانهای مختلف

